

یادداشت

نگاهی نقادانه به بعضی شبهات عاشورا در فضای مجازی: بخش دوم

# تعظیم شعائر حسینی

## تعظیم شعائر نبوی و علوی است



سیدمحمدحسن جواهری  
عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

اخیرا فایلی در فضای مجازی درباره تحریف‌های عاشورا دست به دست می‌شود که گوینده ضمن بیان نقدهای خود درباره برخی تحریف‌ها و انحراف‌های مربوط به منابع نهضت عاشورا و مجالس عزاداری - که البته بعضا بحق است- شبهات متعددی را نیز - فهرست وار- مطرح کرده که لازم است پاسخ داده شود. پاسخ تفصیلی به شبهات وی نیازمند مجال وسیع است، از این رو به پاسخ‌های کوتاه و ارجاع به منابع بسنده می‌شود. روز گذشته در همین صفحه، هشت مورد از این شبهات و پاسخ‌ها درج شده بود. باقی آن موارد را از نظر می‌گذرانید.

می‌گوید: «عادات دینی جای آداب دینی را گرفته است.» و بحث را اینطور خلاصه می‌کند که مجالس عزاداری نباید بیشتر از محافل معنوی ارج و قرب داشته باشد و روضه از مناجات مهم‌تر شده که نباید اینطور می‌شد و محرم از رمضان مهم‌تر شده است و عاشورا از مبعث مهم‌تر شده است و اینطور نتیجه می‌گیرد که مگر سیدالشهدا(ع) از پیغمبر(ص) بالاتر است که شما عاشورا را بر مبعث ترجیح می‌دهید؟

در پاسخ لازم است به چند نکته مهم اشاره شود: نکته اول اینکه گریه و حزن بر شهادت امام حسین علیه السلام به صورت تکوینی در نهاد مومنان قرار داده شده و از این رو می‌توان به آن به مثابه یک نشانه ایمان نگریست: قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «أَنْ لَقِّنْتُ لِلْحُسَيْنِ حُرَارَةَ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ تُبَرَّدُ أَبَدًا» نکته دوم این است که گریه بر امام حسین(ع) برخلاف دیگر معصومین(ع) و برخلاف ایام دیگر مثل غدیر و مبعث و ماه رمضان و... یک بسته فکری- فرهنگی دارد که در نکته بعد درباره آن توضیح می‌دهم. گریه بر سیدالشهدا و تحریک احساسات، واقعه عاشورا و به تبع آن، آن بسته فکری- فرهنگی را در کانون توجه قرار می‌دهد.

نکته سوم این است که واقعه عاشورا درس آموز و انسان ساز است و اوج فضایل و اوج شقاوت و ذلالت در آن به تصویر کشیده شده است. عاشورا و مباحث پیرامون آن انباشته از تعالیم و آموزه‌های شریعت است و معارف اهل بیت(ع) در آن موج می‌زند و یادآوری و زنده نگه داشتن آن موج باحیای وجدان‌های خفته و نجات جوامع به حیض رفته و به ذلت نشسته است. درحقیقت سیدالشهدا با خون خود و یارانش و با به اسارت رفتن آل الله یک بسته فکری- فرهنگی جامع و کامل ارائه کرد که ظرفیت جذب و هدایت بشریت را دارد و به تعبیر دیگر یک تالیوی بزرگ و کامل ترسیم کرد که همه عوامل جذب و رشد و تعالی در آن موجود بود و این بسته پیوستنی است که این واقعه را شاخص قرار داده است و برخی احکام خاص تکوینی مانند حرارتی که خدا در قلوب مومنین برای سیدالشهدا قرار داده و مانند شفا بودن تربت امام حسین(ع) و ایام یزارتی خاص و فراوان آن حضرت و نیز اربعین که تنها برای امام حسین(ع) قرار داده شده، حکمت اینها همه به همان بسته پیوستنی برمی‌گردد که می‌تواند اسلام را احیا کرده و بشریت را به سر منزل سعادت و نجات و رشد و تعالی برساند و این به معنای برتری امام حسین(ع) بر پیامبر(ص) یا بر امام علی(ع) نیست بلکه به دلیل اثرگذاری بیشتر این واقعه است و در حقیقت تعظیم شعائر حسینی



تعظیم شعائر نبوی و علوی نیز هست. نکته جالب این است که امام صادق(ع) در زیارت اربعین به امام حسین(ع) چنین سلام می‌دهد: «السَّلَامُ عَلَيَّ الْهُسَيْنِ الْمُظْلَمِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيَّ أُسْبِرَ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعُغْرَاتِ؛ حسین(ع) قاتیل العبرات است نه قاتیل الدمعات! عبره یعنی اشکی که به سوی رشد و تعالی حرکت ایجاد می‌کند و سوق می‌دهد اما دمع اشک ساکن است و محرک به سوی رشد نیست. بنابراین نباید مجالس به نحوی باشد که تجسم قاتیل الدمعات باشد نه قاتیل العبرات؛ نباید اشک محرک و پیش برنده را به اشک معمول تبدیل کرد؛ لذا اگر مجالس عزاداری سیدالشهدا بدون ارائه معارف برگزار شود، گریه و اندوه بر آن حضرت به کارکرد واقعی خود دست نیافته است؛ یعنی برخی مجالس به گونه‌ای است که گویا فقط هدف بخشوده شدن است نه رشد و معرفت پیدا کردن لذا گاه دیده می‌شود کسی مثلاً با زحمت به پیاده روی اربعین می‌رود و برمی‌گردد ولی نماز نمی‌خواند! اینکه می‌بینیم برخی مجالس خاصیت لازم را در هدایت برجای نمی‌گذارند، دلیلش رعایت نکردن توازن در معرفت و احساس است. برخی مجالس به معرفت صرف توجه دارند و خالی از احساس و شور است. برخی هم برعکس خالی از ارائه معارف اهل بیت(ع) است یا معارف اهل بیت(ع) خیلی کم رنگ ارائه می‌شوند. هردوی اینها باید اصلاح شوند. معرفت و احساس و شور باید کنار هم و متوازن باشند. البته ناگفته نماند که ما هم در این باره بی‌تقصیر نیستیم زیرا فقط از ثواب گریه و گریاندن برای مردم گفته‌ایم بلکه باید برای ثواب فوق العاده هدایت و بیان معارف اهل بیت(ع) هم مفصل سخن می‌گفتیم. اهل بیت(ع) نسبت به احادیث پدران معصوم‌شان تا پیامبر(ص) اهمیت و ارزش فوق العاده‌ای قائل بودند. من یک نمونه مثال بزنم. ابن مسعود نقل می‌کند شخصی از حضرت فاطمه(س) درخواست کرد چیزی از تعالیم پیامبر(ص) به او بیاموزد. حضرت از خدمتکارش خواست نوشته‌ای را که سخنانی از رسول خدا(ص) در آن بود، از جایی بیآورد. خادم رفت ولی نوشته را پیدا نکرد. صدیقه کبری(س) با نگرانی فرمودند: «آن نوشته را بیاب؛ زیرا ارزش آن نزد من با حسن و حسین برابر می‌کند. (... قنالت: ویلک اطلبیها! فانها تعدل عندی حسناً و حسیناً...». حقیقتاً درک این حدیث برای ما مشکل است. محتوای حدیثی که عرض کردم این است: مومن نیست کسی که همسایه‌اش از دست او در امان نباشد؛ و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید همسایه‌اش را بیازارد؛ و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، یا سخن خوب بگوید یا ساکت باشد و خداوند با انسان خیر، بردبار و پاکدامن دوست و با انسان بد زبان و بیخیل و لجباز دشمن است؛ و حیا و ایمان و ایمان در

بهشت است و بدگویی از بی‌بند و باری و بی‌حیایی و بی‌بندوباری در آتش است. آخرین شبهه‌ای که گوینده خیلی گذرا گفته و از آن عبور می‌کند این است که چرا می‌گویند گریه بر حسین(ع) مایه تسلی حضرت زهرا(س) است. حضرت زهرا در بهشت در جوار حق در بهترین نعمت‌ها در کنار فرزندش و عزیرانش و در بهترین حالت است و نیاز به تسلی ندارد. این خلاصه حرف اوست. البته برخی دیگر نیز این حرف را زده‌اند و گاه انسان بوی تضعیف روضه و مجالس حسینی را از این حرف‌ها استشمام می‌کند. در هر صورت، در پاسخ به‌طور خیلی کوتاه عرض می‌کنیم: اولاً: عرض شد این افکار نباید موجب تضعیف مجالس حسینی شود زیرا فقط تعزیت و تسلیت به حضرت زهرا(س) نیست و عزاداری مایه تسلی قلب امام‌زمان(عج)- امام‌حی- نیز هست که همه عالم به فدای آن حضرت. البته این غیر از کارکردهای دیگر این مجالس و عزاداری هاست که در همین مطلب و قسمت نخست آن به آنها اشاره شد.

ثانیاً: مصادب کربلا وجوه مختلفی دارد؛ شاید برخی وجوه جسمانی - مانند کشته شدن- در عالم برزخ کم‌رنگ شود ولی مصیبت‌های روحی مانند تعدی بر یک انسان کامل و تعدی بر خاندان آن حضرت و اسارت و هنک حرمت‌ها چیزی نیست که در برزخ بهشتی و حتی خود بهشت رفع شود مگر آنکه انتقام درخور گرفته و جبران شود. برای تقریب به ذهن مثالی می‌زنم: فرض کنید کسی در جمع به صورت یک شخصی سیلی بزند، حال این شخص همراه با بهترین همسفران به بهترین زیباترین باغ‌ها سفر کند، آیا این سفر می‌تواند ناراحتی سیلی را برطرف کند؟ بسیار روشن است که خیر. ممکن است برای لحظات، دقایق یا حتی ساعتی باعث غفلت از آن تحقیر شود لیکن به محض اینکه به یاد آن بیفتد، عیش‌اش مختل می‌شود. در عالم برزخ فراموشی و غفلت معنا ندارد و مصیبت‌های روحی نیز به هیچ وجه برطرف نمی‌شود و حتی زنجی که امام‌زمان(عج) از حادثه کربلا متحمل می‌شود، خود باعث ناراحتی مادر آن حضرت می‌شود و تسلیت بر حضرت زهرا(س) باید چندجانبه باشد.

ثالثاً: گریه بر سیدالشهدا اساساً درونی است نه نمایشی و برای صرف تسلی لیکن به‌طور طبیعی و حتی بدون توجه، مایه تسلی حضرت زهرا(س) و همه اهل بیت(ع) می‌شود و عامل درونی آن نیز تکوینی است: اِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حُرَارَةً فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تُبَرَّدُ أَبَدًا. من خیلی کوتاه به این شبهات پاسخ دادم و پاسخ تفصیلی ساعت‌ها و کتاب‌ها نیاز دارد. امیدوارم خدای متعال به حق سیدالشهدا و یاران شهیدش جوانان ما را از شبهات شبهه‌گران مصون فرماید و حقیقت را نیز برای این افراد روشن گرداند.

یادداشت

معنویت عاشورایی در آموزه‌های حسینی: بخش سوم

# امام(ع)، ولی الله

## و فقر در غنا



معنویت عاشورایی بر یک سلسله‌مبانی و اصولی استوار است. در این سلسله مطالب ابتدا مقدمه‌ای بر این معنویت تقدیم شد (فرهنگستان ۱۲ شهریور ۹۹) و سپس به بررسی از آن مبانی و اصول پرداختیم (فرهنگستان ۱۷ شهریور ۹۹) و اکنون نیز همچنان به مبانی و اصول آن معنویت - که ما آن را روش حدیث‌محورانه یعنی با محوریت احادیث امام حسین علیه السلام - می‌پردازیم.



دکتر محمدجواد رودگری  
دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

### ولایت و ولی خدا شدن

در معنویت عاشورایی که توحیدی - عبودی و مبتنی بر حب به خداست، انسان معنوی به مقام ولایت الهی دست یافته و ولی الله می‌گردد، بدین معنا که او عالم و آدم را تحت ولایت حق دیده و به قرب وجودی با او دست یافته و توحید و ولایت را یک‌جا در متن حیات طیبه‌اش متجلی سساخته است. چنان که امام حسین علیه السلام فرمود: «مَنْ عَرَفَ حَقَّ ابْنِ الْأَفْضَلِيِّ: مُحَمَّدَ وَعَلِيَّ وَاطَاعَهُمَا حَقَّ طَاعَتِهِ، قَبِلَ لَهُ: تَبَخُّجُ فِیْ اِیْ جَنَانِ شَيْءٍ» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۵۹۰، ج ۵۸۹) «مَنْ أَحْبَبَنَا لِإِحْبَابِنَا إِلَّا لِلَّهِ، جُنْنَا نَحْنُ وَهُوَ كِهَاتَيْنِ - وَ قَدَّرَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ - وَمَنْ أَحْبَبَنَا لِإِحْبَابِنَا إِلَّا لِلدُّنْيَا، فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ الْعَدْلُ وَسَمِعَ عَدْلَهُ الْبِرَّ وَالْفَاجِرَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۹۰) «بسیار عالی و پر معنا و مضمون رابطه سالک را با امام در تفسیر مودت به قریبی بیان فرمودند که: «فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَى. إِنَّ الْقَرَابَةَ أَلْتِی أَمْرُ اللَّهِ بَصَلَتِهَا وَعَظْمُ مَنْ حَقَّهَا وَجَعَلَ الْخَيْرَ فِیْهَا قَرَابَتًا أَهْلِ الْبیتِ الَّذِینَ أُوجِبَ اللَّهُ [حَقًّا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.» (تأویل الآیات الظاهرة، ۵۳۱) همان طوری که در نسبت‌شناسی محب امام در حب به اهل بیت عصمت و طهارت برای خدا به خودشان را از زبان رسول خدا(ص) چنین تبیین فرمود: «مَنْ أَحْبَبَنَا لِلَّهِ وَرَدْنَا نَحْنُ وَهُوَ عَلِیٌّ نَبِینَا صَلَی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَكَذَا - وَضَمَّ [صَبِیْعَةَ] وَمَنْ أَحْبَبَنَا لِلدُّنْيَا فَاِنَّ الدُّنْيَا تَسَعُ الْبِرَّ وَ الْفَاجِرَ.» (طوسی، امالی، ۴۵۵/۲۵۳).

### فقر وجودی

یکی از بنیادهای سلوک معنوی در معنویت عاشورایی، فقرشناسی و فقریابی وجودی است، سالک باید با معرفتی که به خدا دارد و عرفان به نفسی که خواهد یافت مقوله فقرانفسی را با تمام وجودش تجربه کند و مالک مطلق را خدا یافته و او را عالم و قادر مطلق نیز بیابد تا با شناخت شهودی علم، قدرت و مالکیت مطلقه حق تعالی توانایی سلوک در نیل به مقامات معنوی و فتوحات غیبی را داشته باشد. او باید به مقام «نیستی»، «نداری محض» و «نیاز صرف» خود دست یابد، همان طوری که امام حسین(ع) در دعای عرفه فرمود: «الهی انا الفقیر فی غنای فکیف لا اكون فقیرا فی فقری؛ خدایا! من در حال بی‌نیازی نیازمندم؛ پس چگونه در حال فقر نیازمند [تو] نیاشم؟ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸، ص ۲۲۵) چقدر این عبارت نغز و پرمغز است و اشارت به حقایق وجودی و دقایق باطنی انسان دارد که سالک با فقر نفسی - نه نسبی اش - زندگی کرده و هیچ کمالی را به خود نسبت ندهد و در تمامی مراحل سلوکی و منازل معنوی موجدانه سلوک نماید.

### پی‌نوشت‌ها:

- کسی که حق دو پدر برتر (از پدر طبیعی) خود یعنی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام) را بشناسد و آنها را آن طور که شایسته است اطاعت کند به او گفته می‌شود در هرجای بهشت که دوست داری فرود آی و جای بگیر.
- امام حسین(ع) فرمود: کسی که ما را تنها، به‌خاطر خدا دوست بدارد، ما او مثل این دو (اشاره به دو انگشت) می‌ایم و کسی که ما را به‌خاطر دنیا هم دوست داشته باشد (باز مفید است زیرا) هنگامی که امام‌زمان(ع) ظهور کند، عدالت او شامل خوب و بد می‌شود.



### منابع:

- پژوهشکده باقرالعلوم، گروه حدیث، موسوعه کلمات الامام الحسین(ع)، نشر مشرقین، ۱۳۷۹، ش ۱، قم.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳، بیروت.